

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

علی ناظر
۲۳ می ۲۰۲۴



علی ناظر

ادای بی احترامی به خلقی ستمدیده

پس از قتل قاسم سلیمانی توسط دولت فاشیستی وقت امریکا، هرچند این قتل در تضاد با تمام قراردادهای و تعهدات بین المللی بود، و می بایست محکوم می شد، اما حتی یکنفر، برای مرهم دل نوب شدگان هم که شده، پیام همدردی ارسال نکرد و در مراسم ادای احترام او نماینده گسیل نکرد.

سلیمانی از منظر اپوزیسیون که مورد حمله نیروی قدس قرار می گرفت و بسیاری از اعضای خود را در این عملیات راکتی، کمین و... از دست داده بود، یک تروریست و طبیعتاً سزاوار مجازات بود.

اما قدس تحت فرماندهی سلیمانی و زیر نظر و دید مستقیم نیروهای ائتلاف و سازمان ملل به اشرف و لیبرتی حمله می کرد. به زبانی ساده تر، قدس ابزار پیشبرد اهداف امریکا و شرکاء برای تثبیت نظام اسلامی در ایران بود. پس از کشته شدنش، حتی در ظاهر هم که شده، جهان می بایست برای سلیمانی اشک تمساح می ریخت، اما مخرج مشترک عکس العمل اکثر دولتها، سکوت و یا تقدیر از نقض حقوق بین الملل توسط ترمپ بود.

قتل قاسمی، به جناح هار در نظام اسلامی بهانه داد تا نظام را به سوی افراطیگری مفرط کشانده، افزایش در غنی سازی، و تولید سلاح هسته ئی را در دستور کار قرار دهد. کسی نیست که این واقعیات را نداند، اما به مجرد گزارش ناپدید شدن هلیکوپتر، چهره واقعی منافقین خود را به نمایش گذاشت.

علی اف ابراز نگرانی کرد. اروپا ابراز نگرانی کرد، امریکا با نگرانی حوادث را دنبال می کرد، عراق برای یافتن لاشه اعلام آمادگی کرد، ترکیه پهپاد به آسمان فرستاد، عربستان و امارات و قطر اعلام کردند که تمام توان خود را در اختیار ایران می گذارند. چرا؟

بالاخره پس از این که ج.ا. آماده شد تا خبری که همه از آن مطلع بودند را رسماً ابلاغ کند، سیلی از پیامهای همدردی و مرثیه نویسی و بزرگنمایی و اعلام یک روز و دو روز و سه روز و ۵ روز عزای عمومی در ایران و کشورهای همسایه مخاطبان را هدف قرار داد.

لاشه ها به تبریز و تهران جهت نمایش قدرت و پایگاه اجتماعی نظام، به خصوص پس از افتضاح انتخاباتی، منتقل شدند. خیابان ها پر شد از سینه زنان فرمایشی و ذوب شدگانی که رهبر آینده خود را از دست داده بودند. فرانس ۲۴، فرانس پرس، رویترز، سی ان ان، بی بی سی، الجزیره، راشاتودی، و... مراسم بدرقه لاشه را گزارش دادند، تا افکار عمومی جهانی متوجه اهمیت ج.ا. شوند.

در کنار همه اینها، میهمانان خارجی جهت شرکت در مراسم ادای احترام وارد تهران می شوند. از هنیه گرفته تا امیر قطر. از وزیر خارجه مصر تا رئیس جمهوری تونس، از رئیس دوما روسیه که حامل پیام سوزناک پوتین بود، تا شهباز شریف. از وزیر خارجه چین که به هنگام ملاقات با صفری از ادامه همکاری دو دولت در آینده، برنامه های ستراتیژیک، و مقام شامخ رئیسی صحبت به میان می آورد تا نخست وزیر گرجستان و ارمنستان، و تعداد زیادی از نمایندگان ویژه کشورهای چون سنگاپور و... یکی پس از دیگری، به صف وارد سالون اجلاس سران شده، برتابوت رئیسی فاتحه خواندند و ادای احترام کردند؛ گوئی که گاندی کشته شده است.

گوئی همه الزامبر گرفته و اعدام چندین هزار زندانی سیاسی طی چند هفته و ماه در تابستان ۱۳۶۷ را فراموش کرده بودند و عամاداً، با سفیدنمائی چهره کریمه نظام اسلامی و گذشته رئیسی شریک جرم شده بودند.

گوئی همه آمده بودند تا باز شدن دروازه رحمت تجارت آزاد و تعامل دیپلماتیک به روی ج.ا. را به نمایش بگذارند. و شاید...

اصل داستان چیز دیگر است.

اسماعیلی رئیس دفتر رئیسی در مصاحبه ای رسماً اعلام می کند که هوا خوب بود، هیچ هوای مه آلودی وجود نداشت، هلیکوپتر ناگهان ناپدید شد.

هیچ پرنده ای در آسمان ناگهان از صحنه رادار ناپدید نمی شود، مگر این که مورد اثابت راکت قرار بگیرد و یا منفجر شود. آیا همه و همه این نمایش برای ساکت نگهداشتن جمهوری اسلامی و کنترل وضع حاد و شکننده است؟ آیا با این پیامها و گرامیداشت ها و حضور دیپلماتیک شخصیت های ارشد سیاسی ۶۸ کشور، می خواهند از عکس العمل رژیم جلوگیری شود؟ یادمان نرود که یکی دو ساعت پس از گزارش سانحه، سایت دیدگاه از قول ایزدی گزارش کرد که ممکن است دست خارجی پشت این فرود سخت باشد. اما ایزدی کسی دنبال آن را نگرفت.

هر چه که باشد، چه حمله دیپلماتیک و حق السکوت، و یا اپیزمنت، فاشیست ها همیشه، و به موقع به داد هم می رسند. آنها بخوبی می دانند که این رژیم رفتنی است، و روز به روز به زوال خود نزدیکتر می شود. می دانند که نمایش بدرقه میلیونی ذوب شدگان، نمادی از خواست اکثریت قاطع مردم نیست و آنها را به عقب نمی نشاند. دقیقاً به همین خاطر همگی تلاش می کنند که جهان خبردار نشود زیر پوست جامعه به ستوه آمده ایران چه خروش آتشی نهفته است. می دانند نظام اسلامی حتی با بمب اتمی و پشتیبانی جهانی هم ماندنی نیست و باید برود، اما می خواهند فروپاشی را به تعویق بیندازند.

در دناک این که ملت شریف و ستمدیده ایران در مسیر رسیدن به آزادی تنهاست. همیشه تنها بوده... هیچ کس در زمان جنگ ایران و عراق، مهرماه-میزان-۱۳۶۰، تابستان ۱۳۶۷، و تیر-سرطان- و آبان-عقرب- و دی-جدی... سالهای بعد، به حمایت از این خلق ستمدیده برخاست. اپیزمنت و سازشکاری از دستور کار دول فاشیست و منافق خارج نشد، نمی شود، و ملت شریف ایران برای سرنگونی باید تنها روی توان فرزندان خودش حساب باز کند.

فرزندانی که استوار، بی امان در خیزش های اجتماعی و کانون های شورشی سیاست جهانی را به عقب خواهند راند. مراسم ادای احترام به لاشه رئیسی و پیامهای ارسالی بر این نکته بار دیگر تأکید دارد که باید یکی شویم. برای

سرنگونی باید یکی شویم. باید از فاشیسم دوری گزیده و همراه خلق ستمدیده، یک صدا، پایه های نظام را هدف قرار دهیم.

بگذار تمام رؤسای دول جهان زیر بازوان رژیم مفروط را گرفته و برای لحظه ای بیشتر او را بر سرپا نگهدارند. مگر همه در مراسم تاجگذاری محمدرضا پهلوی شرکت نکردند؟ آیا نظام منفور سلطنتی ماندگار شد؟

من و تو با هزاران دگر،

این راه را دنبال می‌گیریم.

از آن ماست پیروزی.

از آن ماست فردا، با همه شادی و بهروزی (هوشنگ ابتهاج)

علی ناظر

۳) خرداد، سالروز جانباختن چریکهای فدائی خلق امیرپرویز پویان، اسکندر صادقی نژاد، رحمت الله پیروندیری است. یادشان گرامی، راهشان پر رهرو که همچون تندر ایستادند، راه را روشن کردند و رفتند بی آن که رفته باشند).

۲ خرداد- جوزا- ۱۴۰۳

22مه ۲۰۲۴